

تاریخ گرایی در رویکردهای معماری منطقه‌ایزهره پورحسینی^{۱*}، جعفر طاهری^۲

- 1- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری، گروه معماری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه فردوسی مشهد
- 2- استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه فردوسی مشهد

Historicism In Regional Architectural Approaches**Zahra Pourhosseini^{1*}, Jafar Taheri²**

- 1- Master's student in Architectural Engineering, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Ferdowsi University of Mashhad.
- 2- Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Ferdowsi University of Mashhad.

E-mail: z.pourhosseini@mail.um.ac.ir
j.taheri@um.ac.ir**چکیده**

هدف پژوهش حاضر، بررسی رویکردهای معماری منطقه‌ای از منظر درون‌مایه‌های تاریخی و تعبیر تاریخی گرایی است. این پژوهش مبتنی بر روش توصیفی-تفسیری و بر پایه اطلاعات کتابخانه‌ای، رویکردهای منطقه‌گرایی در معماری را از منظر تعبیر سه‌گانه تاریخ‌گرایی شامل: (۱) فرآیند تاریخی پدیده‌های اجتماعی-فرهنگی (۲) توجه به نهادها و سنت‌های گذشته؛ و (۳) استفاده از فرم‌های تاریخی بررسی می‌کند. بر پایه رویکردهای چهارگانه منطقه‌گرایی در معماری شامل زیست‌محیطی، بومی-تاریخی، تکنولوژیکی و فرهنگی، سه رویکرد کلان در رویکردهای معماری منطقه‌ای از لحاظ نوع پیوند با تاریخ و تعبیر سه‌گانه تاریخ‌گرایی می‌توان در نظر گرفت: دسته نخست، رویکردهایی را شامل می‌شود که توجه صوری به فرم‌ها و عناصر کالبدی تاریخی منطقه داشته‌اند. دسته دوم، شامل رویکردهایی است که گرایشی معنایی، به فرهنگ و مکان دارند. دسته سوم نیز شامل رویکردهایی است که اساساً هیچ اهمیتی به وجه صوری و معنایی تاریخ نداشته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، بیشترین نمود تاریخ و تاریخ‌گرایی در رویکرد بومی-تاریخی و رویکرد تکنولوژیکی با استفاده از فرم‌های صوری و عناصر کالبدی تاریخی در معماری آن منطقه بوده است. همچنین در رویکرد فرهنگی کاملاً بر وجه معنایی تاریخ‌گرایی؛ به عنوان فرآیند تاریخی پدیده‌های اجتماعی-فرهنگی با در نظر گرفتن نسبی بودن تاریخ‌گرایی، در کنار توجه توانمند به ارزش‌ها و سنت‌های گذشته توجه شده است. در مقابل، از آنجاکه فرایندهای تاریخی پدیده‌های طبیعی، به واسطه ماهیت غیرانسانی و تاریخ طولانی مدت آن‌ها، در تعبیر تاریخ‌گرایی نادیده گرفته شده‌اند؛ از این‌رو نمی‌توان ارتباط معناداری میان رویکرد زیست‌منطقه‌گرایی با تعبیر تاریخ‌گرایی برقرار نمود.

واژه‌های کلیدی

تاریخ، تاریخ‌گرایی، معماری منطقه‌ای، منطقه‌گرایی

Abstract

The aim of this research is to examine regional architectural approaches from the perspective of historical themes and interpretations of historicism. This study, based on the descriptive-interpretive method and library research, explores regionalism in architecture through three interpretations of historicism: 1) the historical process of socio-cultural phenomena; 2) attention to past institutions and traditions; and 3) the use of historical forms. Based on the four approaches to regionalism in architecture—environmental, indigenous-historical, technological, and cultural—three major perspectives on regional architectural approaches can be identified in terms of their connection with history and the three interpretations of historicism. The first category includes approaches that have paid formal attention to the forms and physical historical elements of the region. The second category includes approaches with a semantic orientation toward culture and place. The third category includes approaches that fundamentally have not paid any attention to the formal or semantic aspects of history. The findings of this research show that the greatest expression of history and historicism is found in the indigenous-historical and technological approaches, which use formal forms and historical physical elements in the architecture of the region. Additionally, the cultural approach focuses entirely on the semantic aspects of historicism, considering the historical process of socio-cultural phenomena and the relativity of historicism, alongside a concurrent appreciation of past values and traditions. Conversely, the historical processes of natural phenomena, due to their non-human nature and long duration, have been overlooked in interpretations of historicism. Therefore, a meaningful connection cannot be established between the approach of bioregionalism and the interpretations of historicism.

Keywords: History, Historicism, Regional architecture, Regionalism

1- مقدمه

1-1- سؤال پژوهش

تاریخ‌گرایی چگونه در رویکردهای معماری منطقه‌ای نمود یافته است؟

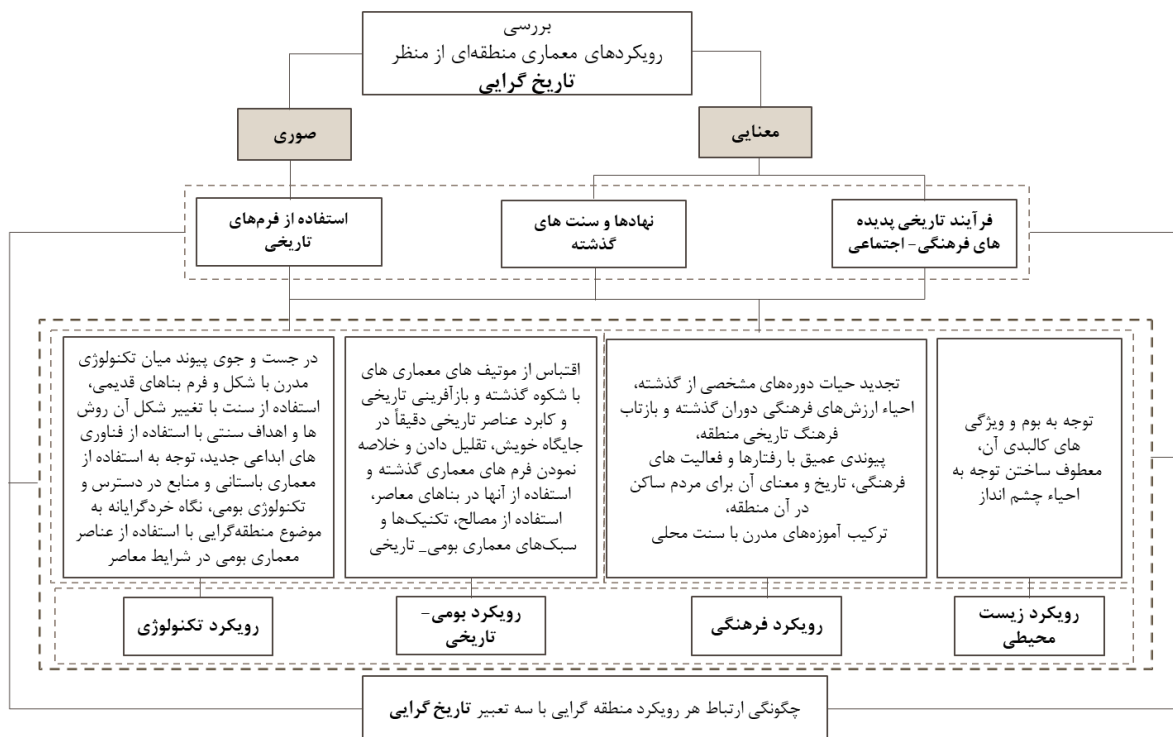
منطقه‌گرایی در معماری، در طول بازه زمانی گسترده حضور خود در این عرصه، رویکردهای متفاوتی داشته به نحوی که از رویکردهایی با برداشت‌های صرفاً کالبدی از منطقه به سمت رویکردهای معنایی تغییر نگرش داده است (اکبری و طاهری، 1401). منطقه‌گرایی به تبع تعدد و سیر تحول در تعریف براساس دیدگاه و اندیشه‌های نظریه پردازان در باب منطقه‌گرایی شامل دامنه وسیعی از رویکردهای متنوع می‌باشد که به روش‌های گوناگون در معماری تجلی می‌یابد، اما در نگاه کلی می‌توان گفت که توجه به مکان به دلیل پیش زمینه‌های تاریخی و فرهنگی و هویتی و فن‌آوری و توجه به انسان به عنوان کاربر اساس بحث‌های این رویکردها در منطقه‌گرایی را تشکیل می‌دهد (شایان، عینی‌فر و دیبا، ۱۳۸۸). یکی از وجوه اصیل رویکردهای منطقه‌گرایی، توجه به تاریخ و پیشینه تاریخی می‌باشد. تاریخ به عنوان یکی از عوامل اصلی، بسیاری از ویژگی‌های معماری منطقه‌ای را شکل داده است. از نظر فرهنگی، اجتماعی، و حتی اقتصادی، تاریخ تأثیر مستقیم و غیرمستقیمی بر معماری منطقه‌ای داشته است. وجه تاریخی در معماری می‌تواند در برگزیده شاخصه‌هایی از قبیل؛ اصالت، فرهنگ، باورها، ارزش‌ها، هویت محلی، میراث فرهنگی و معانی تاریخی بوده باشد که خود دارای نمودهایی متناظر با منطقه گرایی می‌باشند (Ehteshami, 2018).

امروزه با توجه به فناوری‌های متنوع ساخت، ساختمان‌ها با اشکال متنوع و بدون در نظر گرفتن بافت پیرامونی، از زمین سر بر می‌آورند و نمود میراث فرهنگی و تاریخی و توجه به پیشینه تاریخ منطقه در طراحی بنا، کم‌رنگ‌تر شده است؛ به طوری که نمی‌توان رابطه معنی داری را میان ساختمان‌های جدید، محیط، بناهای با ارزش قدیمی و معماری گذشته آن منطقه برقرار نمود. در نتیجه، احساس تعلق به ساختمان‌های جدید چندان به چشم نمی‌خورد، از این رو، برای ارتقا و حفظ فرهنگ و هویت مردم یک منطقه، باید به دنبال راهکاری در حوزه معماری بود (اقدامی و قاسمی، 1396).

تاریخ‌گرایی یکی از مقولات اصلی در رویکردهای منطقه‌گرایی است. تاریخ یکی از عوامل اصلی، بسیاری از ویژگی‌های معماری منطقه‌ای قلمداد می‌شود. رویکرد تاریخ‌گرا نسبت به فرهنگ و آداب گذشته حس همدردی دارد. کنش هنری تاریخ‌گرا به شکلی آزادانه به جمع آوری فرم‌ها و تصاویر سبک‌های تاریخی مختلف می‌پردازد و برای تمام سبک‌های تاریخی ارزش یکسانی قائل است. این رویکرد و کنش هنری، به پدیده‌ای استفاده از فرم‌های تاریخی در معماری پست مدرن سال‌های پایانی دهه ۱۹۷۰ شکل می‌دهند (نزیبت، 1396). بنابراین بررسی رویکردهای معماری منطقه‌ای از منظر تاریخ‌گرایی و توجه به مؤلفه‌های تاریخی، یک دیدگاه کاملاً اساسی و مهم در این زمینه است. همچنین نقش تاریخ و میراث تاریخی در رویکردهای منطقه‌گرایی چند جنبه مهم را دربر می‌گیرد که ارتباط مستقیمی با شناخت ارزش‌ها و هویت‌های فرهنگی مناطق دارد. اول از همه، تاریخ و میراث تاریخی برای یک منطقه، نقش اساسی در تعیین هویت فرهنگی و اجتماعی دارد. با مطالعه و نگهداری تاریخ و میراث تاریخی، می‌توان از ریشه‌ها و روند تکوین هویت فرهنگی یک جامعه آگاه شد. عناصری مانند؛ زبان، سنت‌ها، موسیقی، معماری و هنرهای بصری همگی از پیوندها با گذشته و میراث یک منطقه هستند. ثانیاً، تاریخ و میراث تاریخی برای اثبات داشتن ادعاهای تأسیس و تملک منافع سیاسی و اقتصادی دولت‌ها نیز بسیار حائز اهمیت است. از زمان‌های قدیم، سازمان‌ها و گروه‌های مختلف سعی کرده‌اند تا ارتباط عمیق خود با یک منطقه خاص را، از طریق تمایز در گفته‌ها و قوانین و نشانه‌های دیگر ثابت کنند. این امر در تأکید بر میراث تاریخی و تاریخ منطقه‌ای نمایان است. همچنین منطقه‌گرایی مستلزم آن است که از یکسو معماری، زمان، مکان و فرهنگش را بازتاب دهد و دگرسو، خودش را به گذشته، حال و شاید آینده پیوند دهد (ذوقی حسینی و همکاران، 1399).

تاریخ مبنای طرح پرسش‌های حیاتی درباره زندگی و مطالعه و تحقیق در آن است. همچنین برای یافتن مسائل حیاتی زندگی و بقای انسان مفید و حتی ضروری است (Kostof, 1985). آلن کالکوهن^۱، معمار و نظریه‌پرداز، ذیل "سه نوع تاریخ‌گرایی"^۲ (1983؛ ۱) این تئوری که تمامی پدیده‌های اجتماعی- فرهنگی توسط فرآیندهای تاریخی تعیین شده و تمامی حقیقت‌ها نسبی‌اند؛ ۲) توجه به نهادها و سنت‌های گذشته؛ ۳) استفاده از فرم‌های تاریخی؛ به توضیح دشواری‌ها و استفاده‌های مبهم عبارت "تاریخ‌گرایی" می‌پردازد، عبارتی که شیوه‌های مختلف روبه رو شدن با سنت را پوشش می‌دهد. این مقاله تنها آغاز تلاشی است برای روشن کردن ابهامی که در نقد معماری مدرن، حول واژه‌ی تاریخ‌گرایی وجود دارد و به این وسیله تلاش می‌کند تا وضعیت امروز معماری را روشن کند. وضعیتی که در آن، آگاهی تاریخی جدیدی جایگزین گرایش ضدتاریخی جنبش مدرن شده است.

پژوهش حاضر درصدد است تا با خوانش رویکردهای منطقه‌گرایی بررسی نماید که سه تعبیر ارائه‌شده فوق، در هر یک از رویکردهای منطقه‌گرایی در معماری چه نقش و جایگاهی دارد. در این پژوهش با تمرکز بر وجوه تاریخی منطقه‌گرایی و سه تعبیر تاریخ‌گرایی، به بررسی و استخراج این رویکردها از منظر شاخص‌های فوق و توجه به مؤلفه‌های ذیل دو حوزه صوری (کالبدی) و معنایی (انتزاعی) متمرکز می‌باشد. در انتها، به بررسی نقش تاریخ در رویکردهای منطقه‌گرایی معماری اختصاص دارد و روشن می‌کند که این مؤلفه‌ها چگونه در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، نهادها، سنت‌ها و فرم‌های کالبدی تاریخی رویکردهای معماری منطقه‌ای تأثیر می‌گذارند. در این راستا، چارچوب نظری پژوهش به صورت یک مدل در شکل ۱ ارائه شده است. این پژوهش با استفاده از روش "توصیفی- تفسیری" و مبتنی بر داده‌های اسنادی و کتابخانه‌ای انجام گرفته است.



شکل ۱: چارچوب نظری پژوهش

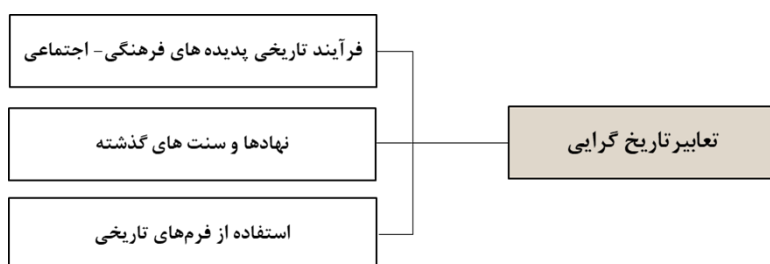
¹ Alan Calquhoun

² Three Kinds of Historicism

2- نگاهی به تاریخ و تعابیر تاریخ‌گرایی

تاریخ علم مطالعه وقایع و فعالیت‌های انسانی در گذشته است. این علم با تفسیر اسناد و مدارک موجود، تلاش می‌کند تا وقایع گذشته را بازسازی کند. هدف از مطالعه تاریخ، درک بهتر انسان‌ها از خود و جهان اطرافشان است (Ehteshami, 2018).

تاریخ‌گرایی (تاریخ‌نگاری یا تاریخ‌باوری)، به معنای تردید ژرف در ارزش سنت‌های تاریخی غرب و امکان معرفت عینی تاریخی است (سوهانگیر و امیریان، 1400). تاریخ‌گرایی که یک تئوری تاریخ است و ریشه در رومانتیسیسم قرن نوزدهم آلمان دارد، مفهوم مدرنی است که عموماً با زایتگاست^۱ یا "روح زمان"^۲ مرتبط دانسته می‌شود. واژه‌ی تاریخ‌گرا، آن چنان که در معنای نخست آن به کار رفته، از واژه‌ی آلمانی historismus می‌آید. در ابتدا این واژه به historism ترجمه می‌شد، اما در ابتدای قرن حاضر و احتمالاً تحت تأثیر بندتو کروچه^۳ به تاریخ‌گرایی تغییر پیدا کرد. از واژه‌ی ایتالیایی storicismo. تعاریف واژه‌نامه‌ای (و کاربرد عام) نشان می‌دهند که سه تعبیر از تاریخ‌گرایی وجود دارد: (۱) این تئوری که تمامی پدیده‌های اجتماعی_فرهنگی توسط فرآیندهای تاریخی تعیین شده و تمامی حقیقت‌ها نسبی‌اند؛ (۲) توجه به نهادها و سنت‌های گذشته؛ (3) استفاده از فرم‌های تاریخی (Colquhoun, 1983). تاریخ معماری نیز یک شاخه از تاریخ است که به مطالعه معماری در گذشته می‌پردازد. تاریخ معماری به دنبال درک چگونگی تأثیر عوامل مختلف مانند فرهنگ، سیاست، اقتصاد و فناوری بر شکل‌گیری معماری در طول زمان است. تاریخ معماری نیز مانند سایر تاریخ‌ها با هدف درک و تفسیر گذشته انجام می‌شود، اما ماهیت اسناد موجود و روش‌های مورد استفاده برای ارزیابی اسناد آن را از سایر تاریخ‌ها متمایز می‌کند (Gardner, 1986).



شکل 2: تعابیر تاریخ‌گرایی (منبع: Colquhoun, 1983)، تنظیم: نگارندگان

1-2- فرآیند تاریخی پدیده‌های اجتماعی_فرهنگی

تعبیر اول تاریخ‌گرایی، بر این باور است که تمامی پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی، محصول فرآیندهای تاریخی هستند. این فرآیندها شامل عواملی مانند جغرافیا، اقتصاد، سیاست، فرهنگ و دین می‌شوند. از این منظر، هیچ پدیده‌ای را نمی‌توان مستقل از تاریخ آن درک کرد (Colquhoun, 1983). بر اساس تفکر کلاسیک، ارزش‌های فرهنگی از قوانین طبیعی نشأت می‌گرفتند. اگرچه تاریخ اغلب بر تغییرات تمرکز دارد، اما می‌تواند تداوم یک فرهنگ را نیز نشان دهد (Jon Boss, 2009). امروز این ایده که ارزش‌ها در طول تاریخ تغییر می‌کنند و دچار دگرگونی می‌شوند، ایده‌ایست که در آگاهی عمومی جا افتاده و تصور کردن چیزی به جز آن دشوار است. با این وجود، این ایده از نظر زمانی ایده‌ی جدیدی است.

¹ Zeitgeist

² Spirit of the age

³ Benedetto Croce

هر امر انسانی وابسته به بعد زمان است، که در تاریخ رخ می‌دهد. همه فعالیت‌های انسانی در بازه زمانی تاریخی قرار می‌گیرند، زیرا به زمان نیاز دارند و باید در این محدوده در تاریخ رخ دهند. فرهنگ نیز پدیده‌ای زمان‌بر است و از آنجایی که به تدریج شکل می‌گیرد و توسعه می‌یابد، کاملاً وابسته به زمان و تاریخ است. از این رو تاریخ یک پدیده‌ای فرهنگی نیز هست، زیرا هیچ فرهنگی آنی ایجاد نمی‌شود. همه فرهنگ‌های غنی، فقیر، برجسته یا ضعیف در جهان در طول تاریخ ایجاد و توسعه یافته‌اند (Ehteshami, 2018). اسلامی ندوشن معتقد است که پیدایش ایدئولوژی‌های یک قبیله یا یک نژاد شامل عوامل ثابت و متغیری است که به تدریج آن را به گرایش تبدیل می‌کند. وی به دو عامل مهم موقعیت جغرافیایی و منطقه اشاره می‌کند که عامل سوم مؤثر را که تاریخ است، اثبات می‌کند (Gharibpour & Toutouch, 2016).

تعریف صحیح تاریخ‌گرایی، مطالعه نهادهای جامعه "با توجه به زمینه‌ی توسعه‌ی تاریخی‌شان" است. مطالعه‌ای که بر اساس یک مدل ارگانیک از رشد و تغییر انجام می‌شود. در این مطالعه انسان و نهادهایش تنها می‌توانستند با توجه به رشد تاریخی خود، مورد مطالعه قرار بگیرند. انسان و نهادهای اجتماعی‌ای که او ایجاد کرده بود، توسط اصولی زنده و ژنتیک اداره می‌شدند، و نه قوانین ثابت و جاودان (Colquhoun, 1983). منطق انسان، بازتاب وفادارانه‌ی حقیقت‌های انتزاعی نبود؛ بلکه توجیه عرفها و نهادهای اجتماعی بود. منطقی که به آهستگی تکامل پیدا کرد و از مکانی به مکانی دیگر، و زمانی به زمان دیگر متفاوت بود. هیچ کدام از این الگوها ایستا نیستند و همگی در نتیجه فرآیندهای طبیعی یا انسان ساخت در طول زمان تغییر یافته و کامل می‌شوند (بل، ۱۳۸۷؛ ص ۲۶۰). به این ترتیب ایده‌آل هدفی بود که از تجربه و تصادف تاریخی شکل گرفت با وجودی که ضرورت داشت ایده‌آلی شکل بگیرد که در نهایت برای تمام فرهنگ‌ها یکسان باشد، اما انجام چنین کاری از نظر منطقی ممکن نبود. بنابراین هر فرهنگی زمانی که در برابر این ایده‌آل سنجیده می‌شد شامل حقیقت‌ها و دروغ‌هایی بود؛ به همین ترتیب هر فرهنگی تنها می‌توانست از طریق ارزش‌هایی که در فرم‌های اجتماعی و نهادی خاص حاضر بودند برداشت خود را از حقیقت و دروغ داشته باشد. حقیقت به خودی خود بی‌صورت است و بنابراین نمی‌تواند در قالب صور ابلاغ شود (Schoun, 2009: p 230-235). بنابراین ایده‌آلی که از رویدادهای تاریخی خاص نشأت می‌گیرد، متضمن نسبی پنداشتن فرهنگ‌هاست. زیرا جنبه‌هایی از آن ایده‌آل که قرار است آشکار شوند، مورد به مورد تفاوت خواهند داشت؛ این نسبی پنداشتن نگاه تاریخی به وضوح با التقاط‌گرایی موجود در هنر و معماری ارتباط دارد (نزبیت، ۱۳۹۶).

آنچه معماری مدرن ما را می‌سازد، بی‌شک نتیجه روند تدریجی امری است که پیامد دگرگونی‌های فکری، اجتماعی، سیاسی و نیز دگرگونی توانمندی‌های فکری، فنی و عملی در انسان‌ها در طول تاریخ است. به عبارت دیگر، معماری مانند سایر سازه‌های دست‌ساز بشر است و جلوه‌های فرهنگی آن برخاسته از کنش‌ها و واکنش‌های بسیاری از پدیده‌های همزمان و حتی پیشین و متوالی است (Ehteshami, 2018).

2-2- نهادهای و سنت‌های گذشته

تعبیر دوم تاریخ‌گرایی، بر توجه به نهادهای و سنت‌های گذشته تأکید دارد. تاریخ، فرجام شناختی^۱ (در حال حرکت به سوی پایانی از پیش تعیین شده) نیست و پذیرش سنت، شرط ضروری تولید معنا در معماری است. این پذیرش سنت نشان دهنده‌ی باور او به این است که دانش تاریخی برای درک امروز ضرورت دارد (Colquhoun, 1983). در این رویکرد جامعه و نهادهایش شبیه به افراد هستند. این رابطه مانند رابطه شخص با خانواده و تأثیرات آن‌ها بر یکدیگر است؛ از آنجایی که نمی‌توان به صراحت بیان کرد که کدام ویژگی‌های جسمی، خلقی و روانی کودک در خانواده از کدام ویژگی‌های والدین او نشأت می‌گیرد، اما از نظر شخصی با توجه به ویژگی‌های کودک و شباهتش با والدین و سایر اعضای خانواده، می‌توان تشخیص داد که فرزند آن خانواده است (Warburton, 2016). بنابراین یک فرد را می‌توان با ویژگی‌های منحصر به فردی که دارد

¹ Teleological

تعریف کرد، با وجودی که او می‌تواند چیزی را که جامعه به عنوان هنجارهای اعتقادی و رفتاری می‌شناسد بپذیرد، اما گوهر او را نمی‌توان به این هنجارها تقلیل داد؛ گوهر او توسط عوامل تصادفی دخیل در تولد او تعریف می‌شود و می‌تواند رشد منحصر به فرد خود را داشته باشد. ارزش زندگی او نمی‌تواند به گونه‌ای تعریف شود که فردیت او را زیر سؤال ببرد. جوامع فرهنگ‌ها و حکومت‌ها نیز چنین هستند: آنها بر طبق قوانین ارگانیک رشد می‌کنند؛ قوانین ارگانیکی که به عنوان بخشی از ساختار خود پذیرفته‌اند. در تمامی این‌ها حقیقت را نمی‌توان از سرنوشت جدا کرد. این نهادها و سنت‌ها، شکل‌دهنده هویت و فرهنگ جوامع هستند (نزبیت، 1396)

یکی از مؤلفه‌های مهم در هر جامعه، سنت‌های افراد آن جامعه است. سنت در ناب‌ترین معنایش همین حقیقت ازلی است که در تاروپود کل عالم تنیده شده است. معنی سنت هم آنچه منتقل شده و هم معادل حقیقت است از آن حیث که به واسطه وحی الهی در قالب اسطوره‌ها، مناسک، سمبول‌ها، شمایل‌نگاری‌ها و دیگر مظاهر تمدن‌های بدوی و دینی گوناگون نمود صوری پیدا کرده است (پورمختار، افشاری و قاضی زاده، 1400). این سنت‌ها یا می‌توانند جنبه تاریخی داشته باشند یا برگرفته از سنت‌های دیگر یک جامعه باشند. اما سنت‌ها و آداب و رسوم هر ملتی برخاسته از هر عنصری، جزء اجتناب‌ناپذیر زندگی انسان است و می‌تواند در شکل‌گیری وجود مردم مؤثر باشد. آیین‌ها و سنت‌ها علاوه بر تأثیر مستقیم بر معماری، به طور غیرمستقیم بر ایدئولوژی‌ها و سبک زندگی انسان‌ها نیز مؤثر است (Ehteshami, 2018).

تاریخ‌گرایان معتقدند که برای درک جامعه امروز، باید به گذشته آن توجه کرد. این تعبیر، تاریخ‌گرایی را به عنوان رویکردی می‌داند که به ارزش‌ها و باورهای گذشته احترام می‌گذارد. در این تعبیر، تاریخ‌گرایی به عنوان راهی برای حفظ و احیای ارزش‌ها و سنت‌های گذشته تلقی می‌شود (Colquhoun, 1983). این معنا از تاریخ‌گرایی نسبت به فرهنگ و آداب گذشته حس همدردی دارد و بر این باور است که نهادها و سنت‌های گذشته، ارزش‌ها و باورهای یک جامعه را شکل می‌دهند و معماری باید بازتاب این ارزش‌ها و باورها باشد.

3-2- استفاده از فرم‌های تاریخی

تعبیر سوم تاریخ‌گرایی، بر استفاده از فرم‌های تاریخی در هنر و معماری و به عبارتی جنبه هنری تاریخ متمرکز است. تاریخ‌گرایان معتقدند که فرم‌های تاریخی، بیانگر ارزش‌ها و باورهای یک جامعه در گذشته هستند (Colquhoun, 1983). از سوی دیگر، تمامی تعاریف زیبایی‌شناختی مربوط به فرم‌ها و اشکال معماری، در محدوده تعریف فرهنگی تاریخ معماری نیز قرار می‌گیرند، زیرا فرم‌ها و اشکال موجود در هنر بیانگر فرهنگ‌ها و باورهای هر جامعه است (Ehteshami, 2018). بنابراین استفاده از این فرم‌ها در هنر و معماری، می‌تواند به حفظ و انتقال این ارزش‌ها و باورها کمک کند. این تعبیر، تاریخ‌گرایی را به عنوان رویکردی می‌داند که به فرم‌های معماری گذشته رجوع می‌کند. در این معنا، تاریخ‌گرایی به دنبال بازآفرینی فرم‌های تاریخی است.

کنش هنری تاریخ‌گرا به شکلی آزادانه به جمع‌آوری فرم‌ها و تصاویر سبک‌های تاریخی مختلف می‌پردازد و برای تمام سبک‌های تاریخی ارزش یکسانی قائل است (Colquhoun, 1983). این رویکرد و کنش هنری، به پدیده‌ای استفاده از فرم‌های تاریخی در معماری پست مدرن سال‌های پایانی دهه‌ی ۱۹۷۰ شکل می‌دهند. هنر و معماری تنها با پشت کردن به سنت بود که می‌توانستند سرنوشت تاریخی خود را اغناء کنند. آنها تنها با نگاه به آینده می‌توانستند به تاریخ وفادار بمانند و روح زمان را در کارهایشان متجلی کنند. این در معماری به معنای آفرینش مدام فرم‌های جدید در سایه‌ی پیشرفت‌های اجتماعی و تکنولوژیک، و بازنمایی نمادین جامعه از طریق این فرم‌ها بود (نزبیت، 1396). از آنجایی که هنرها و فرآورده‌های مختلف نقش‌های لازم را در شکل‌گیری و تحول معماری در طول تاریخ داشته‌اند، درک عمیق و همه‌جانبه از تاریخ معماری بدون آگاهی از هنرها و محصولات رایج در هیچ دوره تاریخی امکان‌پذیر نخواهد بود.

بنابراین واژه‌ی تاریخ‌گرایی می‌تواند در مورد سه چیز مختلف مورد استفاده قرار بگیرد: اولین آنها یک تئوری تاریخ است؛

دومی یک رویکرد؛ و سومی یک پرکتیس هنری. اما تضمینی وجود ندارد که این سه، وجه اشتراکی داشته باشند (Colquhoun, 1983). در ادامه این پژوهش به بررسی این تعبیر تاریخی گرای در رویکردهای معماری منطقه‌ای پرداخته می‌شود.

3- بررسی رویکردهای منطقه‌گرایی از منظر تاریخ‌گرایی

مفهوم واژه منطقه، در لغت‌نامه دهخدا به معنای بخشی از کره زمین که مختصات مخصوص خود را دارد، تعریف شده است (تجدد، اسلامی، ۱۳۹۸). منطقه به معنای خط، جهت، ناحیه و بخش نیز می‌باشد (فراهانی، گلابچی و رضانی، ۱۳۹۸). این واژه به عنوان بخشی ویژه از جهان (Webster's New World Editors, Guralnik & Neufeldt, 1988)، یا بخش بزرگتری از یک کشور، سرزمین و ... تعریف شده است (Procter, 1982). این واژه ممکن است به توزیع نژادی و قومی گروه‌ها، ترکیب‌های جغرافیایی و اقلیمی و یا به محدوده‌های سیاسی رجوع کند (شایان و کامل‌نیا، ۱۳۸۷). متداول‌ترین تعریف آن از منظر تاریخی، به فضای حد واسط ملی و محله اشاره دارد.

در منطقه‌گرایی، معمار تلاش می‌کند که تا خود را با ویژگی‌هایی که تابعی از ویژگی‌های منطقه‌ای یا ملی استخراج شده محیط اطراف پروژه است، منطبق کند (تولائی، ۱۳۸۰). در واقع، منطقه‌گرایی در معماری، دیدگاه‌یست تحلیلی و انتقادی که بر حفظ ویژگی‌ها و خصوصیات مکان تاکید دارد و از این لحاظ در مقابل جهانی‌شدن و سبک بین الملل قرار می‌گیرد (Ozkan, 1985: 12). بنابراین منطقه‌گرایی، یک سبک طراحی است که از بافت‌های یک منطقه الهام گرفته و آنها را در معماری منعکس می‌کند. رویکرد منطقه‌گرایانه در طراحی به معماری اجازه می‌دهد تا ارزش‌های مردم را در یک منطقه تجسم و بازنمایی کند (Jon Boss, 2009). منطقه‌گرایی معنای فراتر از توجه کالبدی به ویژگی‌های بارز مکانی دارد (مأمفورد، ۱۳۸۵). طرح تضادهای دوگانه‌ای نظیر پابندی_واکنش، تقلید ابداع، سنت مدرنیته، به همراه پرسش‌هایی از تاریخ‌گرایی، رمانتیسیسم ملی‌گرایانه، عرصه‌ی بیرونی نظریه و حرفه و مفهوم اصالت، نشان از چالش نهفته در بطن منطقه‌گرایی دارد (Canizaro, 2007).

معماری منطقه‌ای در واقع یک رویکرد به معماری است که به تأکید بر تعامل معماری با محیط طبیعی و فرهنگ محلی و به طور کلی به دو بعد تاریخی و فرهنگی محیط بومی متمرکز است و از این رو به معماری سنتی و محلی توجه ویژه‌ای دارد. معماری منطقه‌ای در موقعیت‌های حساس فرهنگی پذیرفته شده و مفید است زیرا نشان‌دهنده ارزش‌های فرهنگی است. مردم می‌توانند با معماری‌ای که ارزش‌های آنها را بیان می‌کند، همذات‌پنداری کنند. معماری که ارزش‌های فرهنگی را که بومی منطقه‌ای نیست که در آن قرار دارد را تحمیل می‌کند، منجر به کاهش احساس هویت جوامع محلی می‌شود. معماری منطقه‌ای می‌تواند به تقویت هویت فرهنگی بومی کمک کند. منطقه‌گرایی راه‌حل اصلی برای بازیابی مکان در معماری است. منطقه‌گرایی ممکن است رویکردی برای درک مرزهای یک منطقه و هویت فرهنگی مردم در آن مرز باشد. منطقه‌گرایی آن سیستم و رویکردی را ارائه می‌دهد که به معماران کمک می‌کند تا بر زمینه‌هایی که یک منطقه را تشکیل می‌دهند، تمرکز کنند. این باعث ایجاد طراحی مناسب‌تری می‌شود که نشان‌دهنده مکانی است که در آن ساخته شده است (Jon, Boss 2009).

منطقه‌گرایی، رویکردی منعطف است که در هر دوره متناسب با شرایط، توصیه‌های گوناگونی را ارائه می‌دهد. این انعطاف‌پذیری با الحاق واژگان مکمل به واژه منطقه‌گرایی نمود عملی یافته و ادامه حیات این رویکرد را در شرایط حاضر ممکن می‌سازد. به این ترتیب واژه منطقه‌گرایی ظرفیتی فراتر از معنی لفظی خود یافته و امکان پذیرش مقاصد گوناگون را می‌یابد (مولانایی و همکاران، ۱۳۹۲). بررسی معماری منطقه‌ای، در قرن بیستم، گویای وجود ناهمگونی و عدم وجود تداوم یک گفتمان نظری می‌باشد. این امر نشان‌دهنده تنوع زیاد نگرش‌های منطقه‌گرایی است (Canizaro, 2007). شناخت این

رویکردها تلاشی است برای قرار دادن مجموعه‌ای از اشیاء پیچیده در یک مجموعه منظم برای دستیابی به عمومیت بیشتر در جهات شناخت و برنامه‌ریزی.

به همین جهت در بررسی‌های متعددی که توسط محققان و نظریه‌پردازان گوناگونی انجام شده، هر منطقه ویژگی‌های زمینه‌ای و بستر خاصی دارد که شامل تمام جنبه‌های فرهنگی، محیطی و انسانی آن منطقه می‌شود. این عوامل زمینه‌ای، منبع اصلی الهام و توجیه برای طراحی هر اثری در آن منطقه هستند. اما بطور کلی چهار رویکرد اصلی در معماری منطقه‌ای وجود دارد که این رویکردها شامل رویکردهای زیست‌محیطی، بومی-تاریخی، فرهنگی و تکنولوژیکی است (طاهری، 1402). در ادامه به این چهارگانه رویکردهای منطقه‌گرایی در معماری در ارتباط با مفهوم تاریخ با توجه به سه تاریخ‌گرایی عنوان شده توسط کالکوهون در هریک جداگانه به تفصیل پرداخته می‌شود.



شکل 3: رویکردهای منطقه‌گرایی در معماری (منبع: طاهری، 1402)، تنظیم: نگارندگان

3-1- رویکرد زیست محیطی

در رویکرد زیست محیطی منطقه‌گرایی، توجه به بوم و ویژگی‌های کالبدی آن، محور اصلی تمامی فعالیت‌های معمارانه را تشکیل می‌دهد. طراحی زیست منطقه‌گرا به تعارضات موجود بین تمدن، مظاهر تمدن و طبیعت و تقابل فرهنگ با طبیعت می‌پردازد. همچنین مسائل توسعه و نیاز به حفاظت انطباق با بوم و تجارب جدید؛ ایجاد تغییرات انقلابی و دستیابی به ثبات؛ ایجاد تعادل در اقتصاد، قدرت‌های تجاری و حفاظت از محیط‌زیست را مطرح می‌کند. زیست‌منطقه‌گرایی به عنوان چارچوبی برای تفکر در مورد مردم، بومی دانش، محلی جهانی‌شدن علم، مسائل جهانی زیست‌محیطی، جامعه مدرن، حفاظت، تاریخ، آموزش و مرمت معرفی می‌شود (مدنی و طاهری، 1402). این رویکرد در معماری منطقه‌ای متأثر از جنبش‌های توسعه پایدار و بوم‌شناختی است. زیست منطقه‌گرایی ورود مکان به دیالکتیک تاریخ است همچنین ممکن است بگوییم که طبقه‌هایی وجود دارند که تاکنون نادیده گرفته شده‌اند - حیوانات رودخانه‌ها صخره‌ها و علف‌ها که اکنون به تاریخ وارد می‌شوند. ما به دنبال تعادل بین کثرت‌گرایی جهان میهنی و آگاهی عمیق محلی هستیم (Crist, 2020). همچنین وجود شاخص‌هایی از قبیل؛ انرژی، سازگاری با محیط، مصالح، منابع در دسترس، توپوگرافی، دما، باد، رطوبت و تابش در کنار توجه به بوم و ویژگی‌های اقلیمی، استفاده مناسب از زیست‌بوم‌های منطقه‌ای و همسازی با شرایط اقلیمی از موارد مطرح در این رویکرد است (ذوقی‌حسینی و همکاران، 1399). از منظر این نگاه، توجه به شرایط اقلیمی و حفظ ویژگی‌های خاص مکان اهمیت بسزایی دارد. یکی از ویژگی‌های اصلی رویکرد زیست محیطی، وجه تاریخی آن است. عناصر طبیعی‌ای همانند یک درختی که در یک محیط وجود دارد، شامل؛ سن و قدمتی در هر منطقه‌ای می‌باشد و به عبارتی تاریخی در درون خود دارد و فقط وجه محیط‌زیستی آن مطرح نیست. احترام به آب و درختان در بسیاری از تمدن‌های باستان به دلیل اعتقادات، ارزش‌ها و رسوم فرهنگی-اجتماعی متفاوت خود نهادینه شده است (Khademi, 2013). این نگرش با در نظر گرفتن پیوند میان فرهنگ انسانی و زیست‌بوم‌های منطقه‌ای، در وضعیتی پایدار و همچنین با لحاظ کردن عناصر بوم‌شناختی در ارتباط با

یکدیگر سعی در توجه به ویژگی‌های مکان محور دارد. اما در این رویکرد برخلاف توجه به احیاء چشم‌اندازهای طبیعی و حفاظت از منظره پایدار، به تاریخ منطقه توجهی صورت نگرفته است، در صورتی که یکی از وجه‌های تاریخی است و بایستی به آن در منطقه توجه شود.

3-2- رویکرد فرهنگی

باورها، مذهب، آداب اجتماعی و هنر یک فرهنگ، نقش بسزایی در تفسیر فضا و فرم در یک منطقه دارند. به عبارت دیگر، زمینه فرهنگی می‌تواند الهام‌بخش و توجه‌کننده تأکیدی غیر از شباهت بصری بین اشکال سنتی و عامیانه باشد. مردم ارزش‌های خود را از طریق ساختمان‌ها و اشکال ساخته‌شده‌شان به نمایش می‌گذارند. معماری موجود، در صورت وجود، بهترین سند از نیروهای زمینه‌ساز یک منطقه است. همچنین معماری منطقه‌ای موجود بخشی از سوابق تاریخی یک مکان را تشکیل می‌دهد (Jon Boss, 2009). در معماری منطقه‌ای می‌توان با استفاده از خوانش متن تاریخی، فرهنگی و اجتماعی مورد نظر به طراحی معماری ارزشمند و متناسب با زمینه فرهنگی و تاریخی آن دست یافت (اکبری و همکاران، 1396). سال‌های 1980 میلادی به بعد گرایش‌های تاریخی رفته‌رفته با توجه به بازیافت تصاویر معماری سنتی در طراحی مدرن خود را شکوفا نمودند. خطوط قوی و مدول‌های تکرار شونده دستور زبان سنتی به تن نمودند. موضوعاتی مانند هویت بومی، درون‌زایی، میراث ملی و ریشه‌های تاریخی از مسائل مهم مورد توجه بودند، گویی نوعی رویکرد فرهنگی به موضوعات تاریخی در حال شکل‌گرفتن بود. بسیاری از نظریه‌پردازان جهان عرب (در حوزه معماری) در این زمینه تحت تأثیر افرادی همچون فرامپتون، کرتیس، اندرسون و... بودند (طوسی، 1396). این رویکرد ادعا می‌کند که معماری منطقه‌ای، منعکس‌کننده شخصیت و روح مردمی است که آن را تولید کرده‌اند. بناهای گذشته و همین‌طور امروز، محصول نیروهای فرهنگی پایدار محسوب می‌شوند (Pavlidis, 1991).

رویکرد فرهنگی در منطقه‌گرایی با رفتارها و فعالیت‌های فرهنگی، پیوندی عمیق پیدا می‌کند؛ رفتارهایی برگرفته از عناصر فکری و اعتقادی استواری همچون جهان‌بینی، ایدئولوژی، مذهب و باورهای اجتماعی است که منجر به شکل‌گیری محصول معماری یکپارچه و دارای ویژگی‌های بارز منطقه‌ای می‌گردد (بایزیدی، 1392). بنابراین رویکرد فرهنگی در معماری منطقه‌ای لزوماً مستلزم شناخت و آگاهی از پیشینه‌های تاریخی معماری در چارچوب تحولات اجتماعی، فکری، سیاسی و حاکمیتی منطقه است (Gharibpour & Toutounch, 2016). این رویکرد، توجه را به چشم‌انداز تاریخ و معنای آن برای مردمی که در آن منطقه زندگی می‌کنند، معطوف می‌سازد (اکبری و طاهری، 1400). در این رویکرد منطقه‌گرایی، طراحان سعی در شناخت بافت‌های سنتی و ارزش‌های آنها برای طراحی دوران معاصر دارند (کامل‌نیا و مهدوی‌نژاد، 1393). درواقع به وجه معنایی تاریخ در این رویکرد با استفاده از دو تعبیر اول تاریخ‌گرایی یعنی فرآیند تاریخی پدیده‌های اجتماعی-فرهنگی و نهادها و سنت‌های گذشته پرداخته می‌شود و در برخی موارد از طریق استفاده از کهن‌الگوهای معماری مانند؛ الگوهای حیاط مرکزی، ایوان، طاق و... که در گذشته معماری ایران وجود داشته جهت تجدید حیات دوره‌های مشخصی از گذشته و احیا ارزش‌های فرهنگی آن دوران، تاریخ تجلی پیدا کرده است (خان‌بازاده و همکاران، 1401).

3-3- رویکرد بومی - تاریخی

رویکرد بومی-تاریخی در معماری منطقه‌ای، رویکردی است که بر استفاده از مصالح، تکنیک‌ها و سبک‌های معماری بومی و تاریخی یک منطقه تأکید دارد. این رویکرد با هدف ایجاد سازه‌هایی که با ویژگی‌های خاص آن منطقه همخوانی داشته باشند و در عین حال، پاسخگوی نیازهای معاصر باشند، به کار گرفته می‌شود. در این رویکرد، معماران از تاریخ یک

منطقه به عنوان منبع الهام و راهنمایی استفاده می‌کنند. بنابراین منطقه‌گرایی بومی - تاریخی به هیچ وجه به معنای احیای معماری بومی گذشته نمی‌باشد، بلکه در این نگرش بر نوآوری و مدرن بودن تاکید بسیار شده است. منطقه‌گرایی سنتی و منطقه‌گرایی بدیع، از تعبیر دیگر این گونه از منطقه‌گرایی است. این تعبیر همگی به توجه به منظر توپوگرافی، اقتباس از موتیف‌های معماری‌های باشکوه گذشته و بازآفرینی تاریخی اشاره دارند. در واقع عناصر تاریخی، دقیقاً در جایگاه خویش مورد استفاده قرار می‌گیرند (شایان، 1387).

این رویکرد به وسیله معمارانی مانند حسن فتحی به وجود آمده که تبحر فراوانی در شناخت موتیف‌های سنتی معماری دارند و تصمیم می‌گیرند در محدوده این موتیف‌ها به طراحی بپردازند. البته قصد آنها تعالی بخشیدن به این زبان معماری با بهره گرفتن از استعداد هنریشان است. در واقع این معماران از زبان غنی معماری تاریخی و یا بومی استفاده می‌کنند و کارهای خود را به گونه‌ای طراحی می‌کنند که شامل قواعد، تکنیک‌ها و ملزومات آن معماری شود (کامل‌نیا و مهدوی نژاد، 1393). اساس کارهای حسن فتحی استفاده از مدل‌های تاریخی و مصالح بومی است. انتقادی که برخی به کارهای فتحی می‌کنند این است که کارهای او به نظر بیشتر فرم‌هایی برگرفته از معماری گذشته است تا ایده‌های معمارانه. نگاه خردگرایانه به موضوع منطقه‌گرایی استفاده از عناصر معماری بومی در شرایط معاصر است (همان). در این رویکرد، معماران از عناصر و مفاهیم معماری سنتی مانند موتیف‌ها، هندسه، فرم، تقارن، تضاد، نظم، رنگ، سطح، گونه، ریتم و بافت استفاده می‌کنند، اما آنها را به شکلی مدرن و امروزی بازآفرینی می‌کنند (ذوقی حسینی و همکاران، 1399). این رویکرد در منطقه‌گرایی با استفاده از اشکال و فرم‌های محلی مشخص می‌شود تا رویکردی فرهنگی در طراحی (Hassan Pour, Lewis & Guo, 2013). بنابراین در این رویکرد، به تاریخ‌گرایی با استفاده از فرم‌های تاریخی در معماری منطقه به شکل کالبدی و صوری و عینی در فرم بناهای منطقه توجه شده است.

4-3- رویکرد تکنولوژیکی

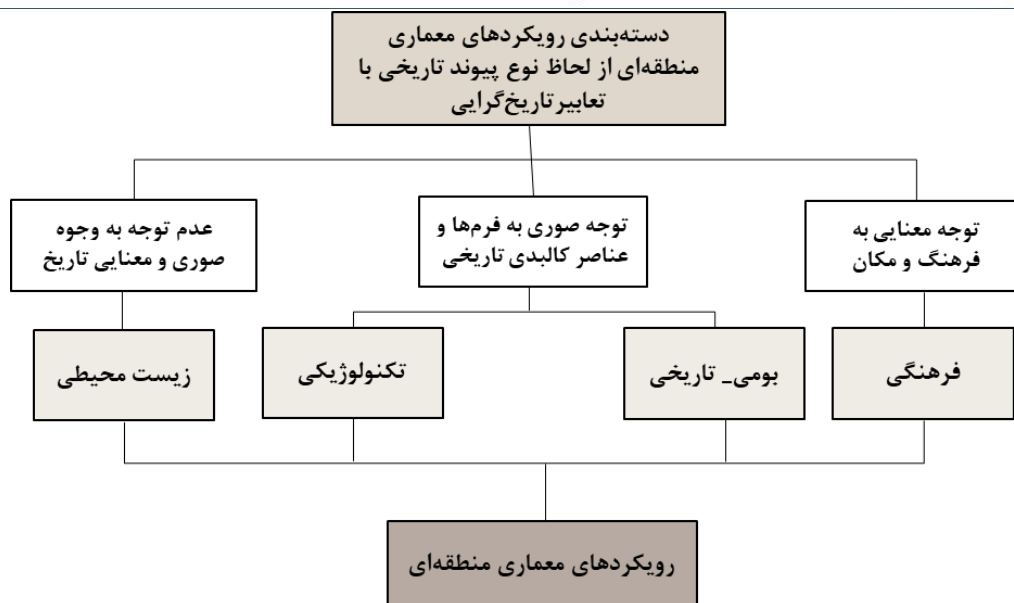
این رویکرد به طور عمده به استفاده از معماری باستانی و منابع در دسترس و تکنولوژی بومی توجه دارد. در این رویکرد، از ویژگی‌های بیانگر تکنولوژی معماری استفاده می‌شود. رویکرد تکنولوژیکی شاید از دو منظر قابل بررسی باشد؛ یکی برداشت از الگوهای ساخت و ساز کهن و توجه به تکنولوژی بومی و دستاوردهای کهن در زمینه فن ساختمان‌سازی و دیگری اشاعه تکنولوژی مدرن در قالبی سنتی است که مورد اخیر، بیشتر در جستجوی پیوند میان تکنولوژی مدرن با شکل و فرم بناهای قدیمی است. در برخی از پروژه‌ها استفاده از تکنولوژی به گونه‌ای استعاره‌گرا قابل مشاهده است (کامل‌نیا و شایان، 1391). این رویکرد تلاش می‌کند که زبان معماری گذشته را برای پاسخ دادن به نیازهای معاصر سازگار کند (کامل‌نیا و مهدوی نژاد، 1393). شکل معاصر سازی نباید به گونه‌ای صرفاً تقلیدی و اقتباسی از فرم سنتی و بومی منطقه باشد، بلکه این شکل و یا فرم باید از عمق و معنای موضوع و مساله طرح بیرون بیاید و شکل حاصل می‌بایست منوط بر شرایط و ویژگی‌های زمان حال حاضر ما باشد (طوسی، 1396).

در این رویکرد، با حفظ زیرساخت مدرن امروزی، سعی بر استفاده حداکثری از امکانات محیطی شامل مصالح بوم‌آور، مسائل اقلیمی و فرم‌های آشنا (تاریخی - فرهنگی - محیطی) ولی به شکلی امروزی و متفاوت (انتقادی) شده است. در ابتدا دو محقق به نام‌های الکساندر ترونیس و لیان لفور ادعا می‌کنند نیاز نیست که فرم‌ها از محیط اقتباس گشته و عیناً به همان شکل در اثر معماری انعکاس یابند، بلکه این فرم‌های آشنا می‌توانند به شکلی نوین و حتی ناآشنا - در نگاه اول - در بنا ظاهر شوند. هدف از بین بردن ماهیت لامکان سبک بین المللی است (Tzonis, 1981). از مشخصه‌های اصلی رویکرد تکنولوژیکی معماری منطقه‌گرا، استفاده از معماری گذشته و تغییر شکل دادن روش‌ها و اهداف سنتی با استفاده از فناوری‌های ابداعی جدید، استفاده از شیوه‌هایی که بتوانند مفاهیم خاص منطقه را بازگو کنند، را می‌توان ذکر نمود، مسئله اساسی این گونه طراحی، بیان پیشرفت در نمایش سنت بود (بایزیدی، 1392). بنابراین رویکرد با استفاده از فرم‌های تاریخی به صورت نوآورانه

وجه صوری و کالبدی تاریخ را در منطقه‌گرایی به تصویر می‌کشد. به این ترتیب، به کارگیری و استفاده تاریخ در این رویکرد، به هیچ وجه به منظور احیای معماری تاریخی نیست بلکه حتی به نو بودن و فناوری تاکید شده است (Tzonis, 1981).

4- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه تاریخ‌گرایی در معماری منطقه‌ای، رویکردی است که بر اهمیت تأثیر تاریخ و فرهنگ محلی بر معماری تأکید می‌کند. این رویکرد می‌تواند به اشکال مختلفی بیان شود، اما در نهایت هدف آن ایجاد معماری‌ای است که با ویژگی‌های خاص یک منطقه همخوانی داشته باشد. تاریخ‌گرایی خود دارای سه تعبیر از تاریخ است که در رویکردهای معماری منطقه‌ای به گونه‌ای نمود پیدا کرده است. در این پژوهش با توجه به بررسی‌های انجام شده پیرامون نقش تاریخ‌گرایی در معماری منطقه‌ای، به‌طور کلی در رویکردهای چهارگانه منطقه‌گرایی در معماری شامل؛ زیست‌محیطی، بومی-تاریخی، تکنولوژیکی و فرهنگی، می‌توان سه رویکرد کلان در رویکردهای معماری منطقه‌ای از لحاظ نوع پیوند با تاریخ و تعبیر سه‌گانه تاریخ‌گرایی در نظر گرفت: دسته اول) رویکردهایی که توجه صوری به فرم‌ها و عناصر کالبدی تاریخی منطقه داشته‌اند. این دسته شامل رویکردهایی است که کاملاً به ابعاد مختلف تاریخی منطقه، به‌طور خاص با استفاده از فرم‌ها و عناصر کالبدی تاریخی موجود در منطقه و سنت‌ها و نهادهای گذشته تاریخ توجه کرده‌اند و با استفاده از فرم‌های تاریخی به صورت نوآورانه وجه صوری و کالبدی تاریخ را در معماری منطقه‌ای به تصویر می‌کشند. در این دسته از رویکردها، تاریخ به عنوان منبعی برای الهام‌بخشی و ایجاد فرم‌های جدید در معماری مورد استفاده قرار می‌گیرد. این رویکردها، می‌توانند منجر به ایجاد بناهایی شوند که از نظر فرم و کالبدی، با شرایط و نیازهای معاصر همخوانی داشته باشند. دسته دوم) شامل رویکردهایی است که گرایشی معنایی، به فرهنگ و مکان دارند. این رویکردها، به ارزش‌ها و باورهای فرهنگی-اجتماعی گذشته یک منطقه توجه دارند. تاریخ‌گرایی به عنوان منبعی برای شناخت و درک هویت و فرهنگ یک منطقه مورد استفاده قرار می‌گیرد و رویکردهای منطقه‌گرایی با توجه به وجه معنایی تاریخ‌گرایی، می‌توانند به حفظ و احیای هویت و فرهنگ یک منطقه کمک کنند. دسته سوم) شامل رویکردهایی است که اساساً هیچ اهمیتی به وجوه صوری و معنایی تاریخ نداشته‌اند (شکل 4). بنابراین یافته‌های پژوهش حاکی از این است که بیشترین نمود تاریخ و تاریخ‌گرایی در رویکرد بومی-تاریخی و رویکرد تکنولوژیکی با استفاده از فرم‌های صوری و عناصر کالبدی تاریخی در معماری آن منطقه بوده است. همچنین در رویکرد فرهنگی کاملاً بر وجوه معنایی تاریخ‌گرایی؛ به عنوان فرآیند تاریخی پدیده‌های اجتماعی-فرهنگی با در نظر گرفتن نسبی بودن تاریخ‌گرایی، در کنار توجه توأمان به ارزش‌ها و سنت‌های گذشته تمرکز شده است. در مقابل، به دلیل ماهیت غیرانسانی و تاریخ طولانی پدیده‌های طبیعی، فرآیندهای تاریخی آن‌ها در تعبیر تاریخ‌گرایی نادیده گرفته شده‌اند، لذا نمی‌توان ارتباط معناداری میان رویکرد زیست‌منطقه‌گرایی و تعبیر تاریخ‌گرایی برقرار کرد.



شکل 4: دسته‌بندی رویکردهای معماری منطقه‌ای از لحاظ نوع پیوند تاریخی با تعابیر تاریخ‌گرایی

مراجع

- اقدامی، افروز و قاسمی، محسن. (1396). طراحی مجتمع تجاری، فرهنگی با محوریت معماری زمینه‌گرا نمونه موردی در بافت سنتی کرمان. پنجمین کنگره علمی پژوهشی افق‌های نوین در حوزه مهندسی عمران، معماری، فرهنگ و مدیریت شهری ایران، تهران.
- اکبری، علی اکبر، بذرافکن، کاوه،، تهرانی، فرهاد، و سلطانزاده، حسین. (1396). تبیین روش‌های طراحی زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی در معماری ایران (نمونه مطالعاتی: اثرهایی شاخص با دوره‌های زمانی متفاوت از معماری شهر تهران). مدیریت شهری، 16(3 (پیاپی 48)، 327-342.
- بایزیدی، قادر، اعتصام، ایرج، حبیب، فرح، و مختاباد امری، مصطفی. (۱۳۹۲). جهانی‌سازی و منطقه‌گرایی در معماری معاصر: تعامل یا تقابل، هویت شهر، ۳(۱)، ۷-۱۸.
- بل، کریس. (۱۳۸۷). معماری و هویت. ترجمه: فرح حبیب. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- پورمختار، صدیقه، افشاری، مرتضی، و قاضی زاده، خشایار. (1400). تحلیل گفتمان رویکردهای سنت‌گرایی و تاریخی‌نگری در مبانی نظری هنر اسلامی. تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری (علوم انسانی)، 31 (دوره جدید) (28 (پیاپی 113)، 59-39.
- تجدد، تینا و سید اسلامی، یحیی. (1398). بررسی ضرورت منطقه‌گرایی انتقادی در توسعه معماری امروزی، مطالعات محیطی هفت حصار، ۳۱ (۱۱)، ۳۰-۱۷.
- تولائی، نوین. (1380). زمینه‌گرایی در شهرسازی، هنرهای زیبا، ش 10، ص 4.
- خان‌باززاده، ساناز، ارمان، مریم، و سهیلی، جمال الدین. (1401). جستجوی پرکاربردترین مولفه‌های منطقه‌گرایی در آثار زنان معمار منطقه‌گرا. دوره پهلوی. معماری و شهرسازی آرمان شهر، 15(39).
- ذوقی‌حسینی، الهه، کامل‌نیا، حامد، دیبا، داراب، و مختاباد امری، مصطفی. (۱۳۹۹). بازخوانی رویکردهای منطقه‌گرایی در بناهای شاخص معاصر شهر مشهد. مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۷(۱)، ۱۶۵-۱۸۵.
- سوهانگیر، سارا و امیریان، فاطمه. (1400). مطالعه تطبیقی رویکردهای طراحی معماری مبتنی بر بستر فرهنگ، در دوران مدرنیسم. مطالعات جامع در مدیریت شهری.

- شایان، حمیدرضا، و کامل‌نیا، حامد. (۱۳۸۷). منطقه‌گرایی و چالش‌های معماری معاصر در آغاز هزاره سوم، مجله معماری و شهرسازی، ۹۱، ۱-۱۰.
- شایان، حمیدرضا، و عینی‌فر، علیرضا. و دیبا، داراب. (1388). معماری در زمینه‌ی بیگانه تحلیل نظریه‌ی منطقه‌گرایی تعاملی در تجارب دهه‌های 60 تا 90 میلادی، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، شماره 38.
- طاهری، جعفر و اکبری شارک، مهسا. (1401). نقش فرهنگ در معماری منطقه‌ای: نظریه و عمل، نخستین همایش ملی شهرآینده اندیشه بومی، یزد.
- طاهری، جعفری. (1402). جزوه کلاس ارشد، درس معماری منطقه‌ای.
- طوسی، مریم. (1396). طراحی پردیس رویدادهای سینمایی با رویکرد منطقه‌گرایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده معماری و شهرسازی و هنر اسلامی، گروه معماری. دانشگاه فردوسی مشهد.
- طوسی، مریم، فیض‌آبادی، محمود، و کامل‌نیا، حامد. (۱۳۹۵). کاربرد منطقه‌گرایی در معماری معاصر ایران با تحلیل معماری معاصر کشورهای اسلامی در حال توسعه، مجموعه مقالات سومین کنگره بین‌المللی افقهای جدید در معماری و شهرسازی.
- فراهانی، محمد، گلابچی، محمود و رضانی، محسن. (۱۳۹۸). شناخت و تبیین اصول منطقه‌گرایی انتقادی و راهبردهای آن در معماری معاصر. اولین کنفرانس بین‌المللی توانمندسازی کسب و کارهای فناورانه و راهکارهای پیشرفت در تکنولوژی و مهندسی، تهران.
- مامفورد، لویی. (۱۳۸۵). فرهنگ شهرها، مترجم: عارف اقوامی مقدم. مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی معماری و شهرسازی، تهران.
- مدنی، سیده‌ساجده، و طاهری، جعفری. (1402). کاربری تطبیقی میراث صنعتی و زیست‌منطقه‌گرایی در معماری: یک مطالعه تطبیقی. ششمین کنفرانس بین‌المللی و هفتمین کنفرانس ملی عمران، معماری، هنر و طراحی شهری. دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- مولانایی، صلاح‌الدین،، سلیمانی، سارا و برزگران، شاهین. (1392). منطقه‌گرایی در معماری: خوانشی در تاثیر پذیری از منطقه‌گرایی در معماری و امکان استفاده از آن در برنامه ریزی منطقه‌ای (نمونه موردی: معماری اصیل منطقه اوامانات کردستان)، اولین کنفرانس معماری و فضاهای شهری پایدار.
- نریت، کیت. ترجمه: روحی، پویان. (1396). تئوری معماری پست مدرن (1965-1995). جلد اول. انتشارات تخصصی هنر، معماری و شهرسازی کتابکده کسری، مشهد، چاپ اول.
- Canizaro, Vincent B. (2007). Architectural Regionalism: Collected Writings on Place, Identity, Modernity, and Tradition, New York: Princeton Architectural Press.
- Colquhoun, Alan. (1983), Three Kinds of Historicism, Vincent (ed), Architectural Regionalism, (Collected Writings on Place, Identity, Modernity and Tradition).
- Crist, E. (2020). For cosmopolitan bioregionalism. The Ecological Citizen 3(Suppl C): 21-9 .
- Ehteshami, Azin. (2018). Historical Perception of Architecture and Cultural History Approach. Art and Design Review, 6, 76-95.
- Gardner, Helen. (1986). Art in the Passage of Time (pp. 50-400). Tehran: Negah Press.
- Gharibpour, A., & Toutounchi, M. (2016). Architecture Instruction with the Approach to Cultural History. Journal of Iran Architectural Studies, 10, 141-160.
- Hassan Pour, F., Lewis, M. & Guo, Q. (2013). The theoretical inapplicability of regionalism to analysing architectural aspects of Islamic shrines in Iran in the last two centuries. In International Congress of Imam's Descendants (Imamzadegan), Esfahan, Iran.
- Jon Boss, Corey. (2009). Regional Architecture: A Sustainable Archetype For Kaho'olawe.
- Khademi, E., Kabiri, F., Hayat Khan, T. (2013). Iranian garden, the manifestation of sustainable green space. International Journal of Humanities and Management Sciences; 1(1): 63-68,.
- Kostof, S. (1985). A History of Architecture: Setting and Rituals (pp. 103-255). London: Oxford Press.

- Ozkan, Suha. (1985). Regionalism within Modernism. in Robert Powell [ed], Regionalism in Architecture, Singapore: University of Washington Press, pp 279-287.
- Procter, P. (1982). Longman dictionary of contemporary English. Harlow: Longman.
- Schuon, Frithjof. (2009). Logic and Transcendence, James S. Cutsinger (ed.), Indiana, Bloomington: World Wisdom.
- Tzonis, Alexander and Liane Lefaivre. (2003). Critical Regionalism, Architecture and Identity in a globalized World, Munich: Prestel press.
- Warburton, N. (2016). Nature of Art (pp. 20-100). Tehran: Ney Press.
- Webster 's New World Editors, Guralnik, D. B., & Neufeldt, V. (1988). Webster 's new world college dictionary, 1988, 3rd ed, New York: Webster's New World.